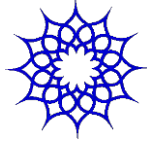


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی
پژوهشکده ادبیات

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عرب گرایش ادبیات عرب

عنوان پایان نامه

زنان شاعر در عصر جاهلی

استاد راهنما

دکتر قیس آل قیس

استاد مشاور

دکتر عبدالحسین فرزاد

پژوهشگر

هاشم نوروزی کوریه

شهریور ۱۳۸۹

اهداء

این پایان نامه را به یکایک عزیزانی که دوستشان دارم تقدیم می کنم.

تقدیر و تشکر:

در اینجا به جاست بر حسب وظیفه ی دینی و انسانی خود از اساتید ارجمند و گران مایه جناب آقای دکتر آل قیس، دکتر فرزاد ، دکتر رادفر و دکتر اشکوری که زحمت راهنمایی، مشاوره، و داوری این پایان نامه را به عهده داشته اند، کمال تشکر و قدر دانی را داشته باشم. همچنین از ریاست محترم پژوهشگاه علوم انسانی و ریاست محترم پژوهشکده ی ادبیات کمال تشکر و قدر دانی را دارم.

در این فرصت به وجود آمده از یکایک اساتیدی که در دوره ی کارشناسی در دانشگاه سمنان و در دوره ی کارشناسی ارشد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی از محضرشان بهره بردم صمیمانه تشکر می نمایم.

در پایان از تمامی عزیزانی که در طول انجام این پژوهش مرا مساعدت و یاری نمودند، تشکر می کنم و از خداوند متعال برای همه این عزیزان و حامیان و زحمتکشان عرصه علم و دانش، سلامتی، کامیابی و توفیق روز افزون، خواستارم...آمین یا رب العالمین.

چکیده

پرداختن به موضوع زنان و ادبیات آن در هر دوره از ادبیات عربی زمینه ای است که از جنبه های گوناگون به آن پرداخته شده است. این پژوهشها به هیچ وجه با پژوهشهایی که در زمینه ادبیات مردان انجام شده است برابری نمیکند و یا حتی قابل برابری با آن نیست و شاید این عدم برابری به علت این دیدگاه باشد که ادبیات مردان و زنان از نظر کمیت با یکدیگر برابری نمی کنند. حقیقتی که نگارنده را بر آن داشت که موضوع زنان شاعر در عصر جاهلی را برای رساله ی پژوهشی خویش برگزیند این است که عده ای از منتقدان و پژوهشگران بر این باور و اعتقادند که چهره زن قبل از اسلام چهره ای است که نقطه ای تاریک از زندگی قوم عرب را نشان می دهد و زن جاهلی نتوانسته است شخصیت واقعی خویش را به اثبات برساند و این اجازه از سوی مردان به او داده نشده است. از سوی دیگر او به عنوان کالایی در خدمت مردان بوده است. اما با جستاری در منابع موجود و احوال زنان جاهلی می توان دریافت که چهره زن در دوره جاهلی به طور واقع منعکس نشده است آنجا که شاعر عصر جاهلی دختران خود را مدح می کند و با نداشتن پسر اصلاً ناراحت و پریشان نیست و با داشتن سه دختر به هیچ روی چهره او سیاه نیست.

پژوهش حاضر که تحت عنوان النساء الشواعر فی العصر الجاهلی (زنان شاعر در عصر جاهلی) می باشد در چهار فصل به انجام رسیده است که در فصل اول و دوم کلیاتی پیرامون زن و جایگاه او در عصر جاهلی ذکر شد و در فصل سوم شرح حال مختصری از بیش از صد شاعر زن همراه با گزیده ای از اشعارشان ذکر گردید و در فصل چهارم به سیر شعر زنان و ادبیات آنان و نیز موضوعات و مضامین اشعار آنان پرداخته شد و چهار تن از مهمترین زنان شاعر یعنی، خنساء، خرنق، جلیله، و لیلی عقیفة مورد نقد و بررسی تحلیلی قرار گرفتند.

بعد از مطالعه و بررسی به این نتیجه رسیدیم که زنان جاهلی به خوبی از عهده ی نقش خویش بر آمده اند و توانسته اند جایگاه خویش را در زمینه های مختلف به اثبات برسانند و از جمله ی میادینی که زنان در آن گام نهاده اند شعر و ادبیات می باشد که زنان با استمداد از عاطفه ی خویش به اوج قله های آن دست یافته اند و این درخشش در اشعار رثاء به وضوح دیده می شود.

واژگان کلیدی: زن، جامعه، عصر جاهلی، شعر، ادبیات

فهرست مطالب

صفحه	فهرست
۱	مقدمه
۱	موضوع:
۱	اهداف پژوهش:
۱	شیوه ی پژوهش:
۴	فصل اول: کلیات
۵	۱-۱. وضعیت زن در عصر جاهلی:
۲۰	۲-۱. زن در نگاه شاعر جاهلی:
۲۲	۳-۱. نقاط تاریک و منفی زندگی زنان در عصر جاهلی:
۲۲	۱-۳-۱. برخورد عرب جاهلی با مسئله ی ازدواج:
۱۴	۲-۳-۱. زنده به گور کردن دختران:
۱۴	۴-۱. خلاصه ی بحث:
۱۶	فصل دوم: جایگاه زن در عصر جاهلی
۷۷	۱-۲. زن در جاهلیت
۷۷	۲-۲. دیدگاههای متفاوت درباره ی زن جاهلی:
۷۷	۱-۲-۲. دیدگاه اول:
۱۹	۲-۲-۲. دیدگاه دوم:
۱۱	۳-۲. تأثیر ظهور اسلام در زندگی زن جاهلی:
۱۱	۴-۲. جایگاه زن در ادبیات جاهلی:
۲۲	۱-۴-۲. سبک ادبی وصیت نویسی:
۲۳	۲-۴-۲. ادبیات کاهنان:
۲۳	۳-۴-۲. حکمت و مثل:
۲۵	۴-۴-۲. وصف:
۲۶	۵-۴-۲. رثاء و زن در دوره ی جاهلی:
۷۷	۵-۲. نقش زن جاهلی در حوادث سیاسی:
۲۸	فصل سوم: زنان شاعر در عصر جاهلی
۲۹	۱-۳. آمنة بنت عتیبه أم البنین:
۳۰	۲-۳. آمنة بنت وهب أم النبی(ص):

- ٣٠..... ٣-٣. ابنة حدّاق الحنفي: ٣٠
- ٣١..... ٣-٤. اخت اسود بن غفار: ٣١
- ٣١..... ٣-٥. أروي بنت الحباب: ٣١
- ٣٢..... ٣-٦. أروي بنت عبد المطلب: ٣٢
- ٣٣..... ٣-٧. أسماء أخت كليب: ٣٣
- ٣٤..... ٣-٨. أسماء بنت عوف بن مالك بن ضبيعة: ٣٤
- ٣٤..... ٣-٩. أسماء المريّة: ٣٤
- ٣٥..... ٣-١٠. أم أبي جدابة: ٣٥
- ٣٥..... ٣-١١. أم الأغر بنت ربيعة أخت كليب وائل: ٣٥
- ٣٦..... ٣-١٢. أمامة بنت ذي الأصبع: ٣٦
- ٣٦..... ٣-١٣. أمامة بنت كليب: ٣٦
- ٣٧..... ٣-١٤. أم بسطام بن قيس الشيباني: ٣٧
- ٨٨..... ٣-١٥. أم ثواب الهزانية: ٨٨
- ٨٨..... ٣-١٦. أم حكيم البيضاء بنت عبد المطلب: ٨٨
- ٣٩..... ٣-١٧. أم جميل بنت أمية: ٣٩
- ٣٩..... ٣-١٨. أم ربيعة بن مكرم: ٣٩
- ٣٩..... ٣-١٩. أم عمرو بنت مكرم: ٣٩
- ٤٠..... ٣-٢٠. أم صريح الكنديّة: ٤٠
- ٤٠..... ٣-٢١. أم الضحّاك المحاربيّة: ٤٠
- ٤١..... ٣-٢٢. أم الفضل بنت الحارث الهلالية: ٤١
- ٤١..... ٣-٢٣. أم قرفة: ٤١
- ٤٢..... ٣-٢٤. أم قيس الضبيّة: ٤٢
- ٤٢..... ٣-٢٥. أم كلثوم ابنة عبدود: ٤٢
- ٤٣..... ٣-٢٦. أم موسى الكلابيّة: ٤٣
- ٤٣..... ٣-٢٧. أم ناشرة التغلبيّة: ٤٣
- ٤٣..... ٣-٢٨. أم التّحيف: ٤٣
- ٤٤..... ٣-٢٩. أميمة أم تأبط شرّاً: ٤٤
- ٤٥..... ٣-٣٠. أميمة بنت أمية بنت عبد شمس بنت عبد مناف: ٤٥
- ٤٥..... ٣-٣١. أميمة بنت عبد المطلب: ٤٥

- ٤٦..... ٣-٣٢. برة بنت عبد المطلب الهاشمية: ٤٦
- ٤٦..... ٣-٣٣. البسوس البكرية: ٤٦
- ٤٧..... ٣-٣٤. بنت الضحاك بن سفيان: ٤٧
- ٤٧..... ٣-٣٥. تماضر بنت الشريد: ٤٧
- ٤٨..... ٣-٣٦. جليلة بنت مرة الشيبانية: ٤٨
- ٩٩..... ٣-٣٧. جمل الضباية: ٩٩
- ٥٠..... ٣-٣٨. جمل السلمية: ٥٠
- ٥٠..... ٣-٣٩. الجيداء بنت زاهر الزبيدية: ٥٠
- ٥١..... ٣-٤٠. الحرفة هند بنت النعمان: ٥١
- ٥١..... ٣-٤١. حليلة الحضيرة العبسية: ٥١
- ٥٢..... ٣-٤٢. خالدة بنت هاشم: ٥٢
- ٥٢..... ٣-٤٣. خرنق بنت هفان اخت طرفة: ٥٢
- ٥٣..... ٣-٤٤. الخنساء بنت التيجان: ٥٣
- ٥٣..... ٣-٤٥. الخنساء بنت زهير بن ابي سلمى: ٥٣
- ٥٣..... ٣-٤٦. خولة بنت ثابت الأنصاري: ٥٣
- ٥٤..... ٣-٤٧. دختنوس بنت لقيط بن زرارة: ٥٤
- ٥٥..... ٣-٤٨. ذبية الفهمية: ٥٥
- ٥٥..... ٣-٤٩. رفيقة بنت نباتة: ٥٥
- ٥٥..... ٣-٥٠. رقاش اخت جذيمة الوضاح: ٥٥
- ٥٦..... ٣-٥١. ربطة بنت جذل الطعان: ٥٦
- ٥٦..... ٣-٥٢. ربطة بنت عاصم الهوازنية: ٥٦
- ٥٧..... ٣-٥٣. ربطة بنت عاصية: ٥٧
- ٥٧..... ٣-٥٤. ربطة بنت العباس السلمي: ٥٧
- ٥٨..... ٣-٥٥. زوجة ابي العاج الكلبي: ٥٨
- ٥٨..... ٣-٥٦. زوجة قراد بن اجدع: ٥٨
- ٥٨..... ٣-٥٧. زهراء الكلابية: ٥٨
- ٥٩..... ٣-٥٨. زينب بنت مالك: ٥٩
- ٥٩..... ٣-٥٩. زينب بنت فروه التميمية: ٥٩
- ٥٩..... ٣-٦٠. زينب بنت فروه الشيبانية: ٥٩

- ٦٠..... ٦١-٣. زينب الضبية:
- ٦٠..... ٦٢-٣. زينب الغطفانية:
- ٦١..... ٦٣-٣. زينب البشكرية:
- ٦١..... ٦٤-٣. سارة القريظية:
- ٦١..... ٦٥-٣. سبيعة بنت الاحب:
- ٦٢..... ٦٦-٣. سبيعة بنت عبد شمس:
- ٦٣..... ٦٧-٣. سعدي الاسدية:
- ٦٣..... ٦٨-٣. سعدي بنت الشمردل:
- ٦٥..... ٦٩-٣. السلكة ام السليك:
- ٦٥..... ٧٠-٣. سلمى بنت مالك:
- ٦٦..... ٧١-٣. سليمة بنت المهلهل التغلبية:
- ٦٦..... ٧٢-٣. سمية زوجة شداد العبسي:
- ٦٧..... ٧٣-٣. صفية الباهلية :
- ٦٧..... ٧٤-٣. صفية بنت عبد المطلب:
- ٦٨..... ٧٥-٣. صفية بنت ثعلب:
- ٦٩..... ٧٦-٣. ضباعة بنت عامر:
- ٦٩..... ٧٧-٣. عائكة بنت عبد المطلب:
- ٠٠..... ٧٨-٣. عاصية البولانية:
- ٠٠..... ٧٩-٣. عبلة بنت خالد:
- ١١..... ٨٠-٣. عشقة المحارية:
- ١١..... ٨١-٣. عفيرة الجديسية:
- ١١..... ٨٢-٣. عمرة بنت الحباب التغلبية:
- ٢٢..... ٨٣-٣. عمرة بنت دريد بن الصمة :
- ٢٢..... ٨٤-٣. عمرة الخنعمية :
- ٧٣..... ٨٥-٣. عنز زرقاء اليمامة :
- ٧٣..... ٨٦-٣. العوراء بنت سبيع الذبيانية :
- ٧٣..... ٨٧-٣. العوراء اليربوعية :
- ٧٤..... ٨٨-٣. غنية بنت عفيف ام حاتم الطائي :
- ٧٤..... ٨٩-٣. الفارعة بنت شداد العذرية:

- ۷۵..... ۳-۹۰. فاطمة بنت مر :
- ۷۶..... ۳-۹۱. قتيلة بنت النصر بن الحارث :
- ۷۶..... ۳-۹۲. كرمه بنت ضلع:
- ۷۷..... ۳-۹۳. كبشة بنت معديكرب :
- ۷۷..... ۳-۹۴. لیلی بنت سلمة :
- ۷۸..... ۳-۹۵. لیلی بنت لكيزننت مرة العفيفة :
- ۸۰..... ۳-۹۶. لیلی بنت مرداس:
- ۸۰..... ۳-۹۷. ماریه بنت الدهان:
- ۸۰..... ۳-۹۸. منفوسة بنت زيد:
- ۸۱..... ۳-۹۹. نعم امرأة شماس بن عثمان:
- ۸۱..... ۳-۱۰۰. هند بنت اسد الضبائية:
- ۸۱..... ۳-۱۰۱. هند بنت بياضة الايادية:
- ۸۲..... ۳-۱۰۲. هند بنت حذيفة الفزارية :
- ۸۲..... ۳-۱۰۳. هند بنت الحس:
- ۳۳..... ۳-۱۰۴. هند بنت معبد الاسدية:
- ۳۳..... ۳-۱۰۵. الهيفاء بنت صبيح القضاعية:
- ۸۴..... ۳-۱۰۶. وهيبة بنت عبد العزي:

۸۵..... فصل چهارم:

۸۵..... بررسی شعر زنان در عصر جاهلی

- ۸۶..... ۴-۱. بخش اول: سیر شعر زنان جاهلی:
- ۸۶..... ۴-۱-۱. جریان شعر زنان در دوره ی جاهلی:
- ۸۹..... ۴-۱-۲. نقش زنان در شعر سیاسی و حماسی (شعر جنگ ها)
- ۹۳..... ۴-۲. بخش دوم: مضمون شعر زنان در دوره ی جاهلی:
- ۹۳..... ۴-۲-۱. رثاء و فخر:
- ۹۶..... ۴-۲-۲. هجاء:
- ۰۰۰..... ۴-۲-۳. مدح:
- ۲۲۲..... ۴-۲-۴. مجنون و خمر:
- ۰۰۴..... ۴-۲-۵. غزل:
- ۷۷۷..... ۴-۳. بخش سوم: بررسی شعر ۴ تن از شاعره های جاهلی

٧٧٧ ٣-٤. الخنساء^٥ تماضر بنت عمرو

٤٤ ٢-٣-٤. خرنق بنت بدر بن هفان:

١٤٨ ٣-٣-٤. جليله بنت مرة الشيبانيه:

٢٥٢ ٤-٣-٤. ليلى العفيفة بنت لكيز

نتیجه گیری ۱۵۵

[illegible]

الحمد لله رب العالمين، و الصلاة و السلام على أطهر الخلق و خاتم المرسلين،
سیدنا محمد صلی الله علیه و سلم، و على آله و صحبه أجمعين و من سار على نهجه
إلى يوم الدين و بعد:

موضوع:

انتخاب موضوع "زنان شاعر در عصر جاهلی" به این دلیل بوده است که اعتقاد داشتیم زنان جاهلی با تمام سیاه نمایی هایی که از آنان شده است، مستحق توجه و احترام بیشتر هستند و ابعاد گوناگونی در زندگی زن در عصر جاهلی وجود دارد که همچنان کمتر به آن توجه شده است و همواره محققان با بی تفاوتی از کنار آن می گذرند. به همین سبب با کمک استاد گرامی ام جناب آقای دکتر آل قیس تلاش نمودم تا این موضوع را به عنوان موضوع رساله ثبت نمایم و هنگامی که شروع به مطالعه پیرامون آن نمودم به درستی دریافتم که ادبیات زنان جاهلی حقی شایان بر گردن ما دارد که ادا نشده است و زوایای بسیاری مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته است و ابعاد زیادی نیز از این بررسی ها دور مانده و تا زمانی که فرهنگ مردم و جامعه آن زمان به درستی شناخته نشود، محال است بتوان سخن درستی در مورد زنان جاهلی بیان کرد.

اهداف پژوهش:

آنچه که این پژوهش را با دیگر پژوهشهای مشابه متمایز می کند در چند چیز خلاصه می شود؛ اول اینکه سعی شده است به جنبه های مثبت در زندگی زن در عصر جاهلی توجه شود و این نکته به اثبات برسد که زنان عصر جاهلی به اوج قله های ادبیات و سیاست و حکمت رسیده اند. دوم، مجموعه ای از اشعار زنان ادیب و شاعر جاهلی به عنوان مرجع جمع آوری شده است و به علت انشاد آن اشاره شده است، و سوم اینکه شعر خنساء به عنوان یکی از بارزترین زنان شاعر عصر جاهلی از نگاهی متفاوت و به طور فنی مورد بررسی قرار گرفته است و در کنار آن به شعر چند شاعر دیگر نیز توجه شده است.

شیوه ی پژوهش:

در این رساله منابع زیادی در حد توان و دسترسی مورد توجه قرار گرفته اند که می توان به اشعار النساء، أعلام النساء، الأغانی، دیوان شعراء، شاعرات العرب، أدب النساء و ... اشاره نمود. محقق کار خود را به چهار فصل مجزا تقسیم نمود، که با مقدمه شروع و با چکیده پایان می پذیرد. در فصل اول کلیاتی درباره ی زن جاهلی بیان شد و اینکه زنان به چند دسته تقسیم می شوند و چه جایگاهی در شعر شاعران عصر جاهلی داشته اند، و بیان شد که زن جاهلی چگونه در امور متفاوت و گوناگون و سطوح مختلف مشارکت فعال داشته است، و نیز در این فصل به

کلیاتی از آنچه که نقاط سیاه در زندگی زن جاهلی خوانده می شود اشاره شد و مورد نقد و بررسی قرار گرفت.

در فصل دوم به دیدگاههای متفاوت به جایگاه زن در عصر جاهلی اشاره شد. ابتدا دیدگاهی که به حقارت زن جاهلی و پستی جایگاه وی نظر دارد مورد بررسی قرار گرفت و اینکه مردان جاهلی زنان را موجوداتی حقیر بر می شمردند، و مرد بودن، اصل و زن بودن، فرع بود. در دیدگاه دوم بیان شد که چگونه زن جایگاه رفیعی در آن زمان داشت و چه چیزی سبب این اختلاف نظر فاحش گردید. به نظر این گروه زن جاهلی حتی به مرتبه ای رسید که نظر وی در عرصه ی سیاست و ادبیات می توانست به عنوان فصل الخطاب مورد توجه قرار گیرد. منبع اثبات کننده این مسئله نیز همان منابع جاهلی در حوزه ی ادب مثل شعر و نثر آن دوره است.

در میان زنان جاهلی، شاعر، کاتب، حکیم، سیاستمدار، ناقد، و ... وجود داشته اند که خود نشان از جایگاه رفیع زن در آن دوره دارد و اگر نقطه ی سیاهی بوده است، تنها از نظر آیندگان که جامعه ی جاهلی را از نقطه نظر معیارهای خود می سنجیدند سیاه بوده است.

در فصل سوم از این رساله به بیش از یکصد تن از زنان شاعر جاهلی به همراه گزیده ای از اشعار آنها به صورت موسوعی اشاره شده است که تمامی آنها به صورت الفبایی مرتب شدند و هدف از این کار در دسترس بودن شخصیت های شعری زنان جاهلی بوده است تا هم ابعاد کمی آن نشان داده شود، و هم اینکه به عنوان منبعی مورد استفاده علاقمندان قرار گیرد.

در فصل چهارم که اصلی ترین و مهمترین بخش این رساله می باشد، ابتدا سیر تطور شعر زنان جاهلی مورد بررسی قرار گرفت تا نشان دهیم که زن جاهلی چگونه توانسته است خود را در میان ادبیات جاهلی نشان دهد و به ثبوت برساند، و از آنجا که جنگ ها و ایام العرب در زمان قبل از اسلام، هم در شکل گیری شعر مردان و هم زنان، تأثیر مهم داشته است، به نقش متقابل زنان در شعر سیاسی و حماسی اشاره شد؛ و در بخش دوم از فصل چهارم به مضمون و موضوعات شعر زنان جاهلی پرداخته شد و مهمترین این مضامین که بدان اشاره شد عبارتند از رثاء و فخر، هجاء، مدح، خمر و غزل؛ که به همراه نمونه های شعری و نقد تحلیلی آن مورد بررسی و جستجو قرار گرفت. در بخش سوم از فصل چهارم شعر چهارتن از مشهور ترین زنان شاعر عصر جاهلی یعنی، خنساء، خرنق، جلیله، و لیلی عقیقه را از نظر گذراندیم؛ در رابطه با خنساء ابتدا شرح حال خنساء بیان شد، سپس شعر وی از نقطه نظرات زیر مورد نقد قرار گرفت:

۱. بررسی عناوین و مطالع قصاید خنساء.

۲. عاطفه ی صادق شاعر در قصاید رثاء.

۳. ویژگی های سبک شناسی در دیوان خنساء شامل ویژگی های فنی (تشبیه، استعاره،

کنایه) و تعبیر (الفاظ و ترکیب ها، سبک های خبری و انشایی و محسنات بدیعی) و وزن و موسیقی شعری.

۴. آشنایی با شخصیت شاعر از خلال قصاید وی.

و در همین بخش به اشعار خرنق بنت بدر خواهر طرفه، جلیله بنت مره، و لیلی بنت لکیز العفیفه اشاره شده است. از آنجا که اشعار این سه تن از زنان شاعر محدود است، در حد بضاعت، بررسی و به جنبه های مختلف اشاره شد.

فصل اول:

کلیات

.....

۱-۱. وضعیت زن در عصر جاهلی:

اگر بخواهیم نگاهی به وضعیت و شأن زن در تاریخ عرب بیندازیم به ناچار زن در عصر جاهلی مبدأ می باشد و بسیاری در بدو امر با توجه به هجمه ی تبلیغی خاص و عام، زن را در عصر جاهلی موجودی می پندارد که در بدترین وضع قرار داشته است و شاید زن در عصر کنونی را در اوج کمال خود در طول تاریخ پندارند؛ اما اگر نگاهی به وضعیت زن در عصر جاهلی داشته باشیم ممکن است این دیدگاه کاملاً عوض شود.

شاید بهتر باشد ابتدا به نوع نگاهی بپردازیم که عرب جاهلی نسبت به زن داشته اند؛ زن در جامعه ی جاهلی به سه دسته "حرة" و "أمة" و "جارية"^۱.

حرة جایگاهی رفیع داشت و حتی از این دسته رسم بود که همسر خویش را خود انتخاب کنند و در کارهایی مانند اداره ی امور قبائل و ... دخالت داشتند، و دسته ی "أمة" و "جارية" در مرتبه ی بعد قرار داشتند که جایگاهی معمولی داشتند. زن جاهلی در شعر آن دوره نیز چهره های متفاوتی داشته است. چهره ای مقبول و چهره ای مرفوض.^۲

برخی از شعرای عصر جاهلی زن را مورد ستایش قرار می دادند، اخلاقش را می ستودند، به زیبایی و جمالش می بالیدند و گاهی این ستایش ستایشی حسی بود و گاهی معنوی.

مثل شنفری شاعر معروف صعلوک درباره ی همسرش أمیمة:

لَقَدْ أَعْجَبْتَنِي لَا سُقُوطاً قِنَاعُهَا إِذَا مَا مَشَتْ وَلَا بِذَاتِ التَّلْقُتِ^۳

ترجمه: از او خوشم آمد نه به خاطر افتادن نقابش آنگاه که راه افتاد در حالیکه به این طرف و آن طرف نگاه نمی کرد.

که اشاره به صفاتی آرمانی و معنوی دارد؛ و:

تَبَيَّنَتْ بُعِيدَ النُّومِ تُهْدِي غُبُوقَهَا لِجَارَاتِهَا إِذَا الْهَدْيُ قَلَّتْ

ترجمه: کمی پس از خواب، او می ماند و شراب شامگاهی خود را هدیه می دهد به زنان همسایه اش آنگاه که هدیه ها کم می شوند.

۱. ضیف، شوقی، ۲۰۰۳ م، ص ۷۲

۲. همان.

۳. الشنفری، ۱۹۹۶ م، ص ۲۳.

و این بیت اشاره به بخشندگی او دارد؛ و مثل ابیات زیر:

تَحُلُّ بِمَنْجَاةٍ مِنَ اللُّومِ بَيْتَهَا إِذَا مَا بَيَّوتَ بِالْمَذْمَةِ حَلَّتْ
كَأَنَّ لَهَا فِي الْأَرْضِ مِسِيًّا تَقْصُصُهُ عَلَى أُمَّهَا وَإِنْ تُكَلِّمَكَ تَبَلَّتْ

ترجمه: خانه از مذمت به دور می ماند، هنگامی که مذمت وارد خانه ها می شود.

گویی که روی زمین راه رفتنی دارد که آن را به مادر خود حکایت می کند.
شنفری از اخلاق خوب زنش می گوید و اینکه او مثل زن هایی نیست که خلق بدی داشته باشد و
موجب سلب آسایش همسرش شود:

أُمِّمَةٌ لَا يَحْزِي نَهَا حَلِيلُهَا إِذَا ذَكَرَ النِّسْوَانَ عَقَّتْ وَ جَلَّتْ
إِذَا هُوَ أَمْسَى أَبَ قُرَّةَ عَيْنِهِ مَأَبَ السَّعِيدِ لَمْ يَسْأَلْ أَيْنَ ظَلَّتْ

ترجمه: شوهر امیمه سر افکنده نمی شود از ستایش کردنش و اگر سخن از زنان به میان آید او عقیف
و جلیل القدر می شود.

اگر شب را بیرون خانه بماند به چشم روشنی خود بر می گردد، همچون بازگشت یک آدم خوشبخت
که نمی پرسد کجا بوده است.

زن در عصر جاهلی در میدان های مختلف نقش های متعددی را ایفا می کرد؛ در حوزه ی تجارت و
اقتصاد، مدیریت و سیاست، حکمت و اجتماع، و....

زندگی اجتماعی در دوره ی جاهلی، بدوی و بادیه نشینی بود و در چنین جامعه ای زن نقش مهمی
داشت و در فعالیت های اقتصادی به همراه مردان مشغول کارکردن بود، و این در حالی بود که زن
وظایفی چون خانه داری و تربیت فرزندان را نیز بر عهده داشت. زن در جامعه ی جاهلی دارای رأی
اجتماعی و سیاسی و اقتصادی بوده است و در تمام امور مشارکت داشته است. در جنگ ها همانطور که
در فصول بعد خواهیم خواند پشت گرمی و پشتیبان بزرگی برای سربازان و جنگاوران بوده است و چه
بسیار زنان شاعری که با تک شعرهای خود سربازان قومشان را برای دفاع از کیان قبلی خود که تمام
هستی آنها بود تشویق می کردند.^۱

زن بدینگونه در صدر شعرها و قصاید دوره ی جاهلی قرار داشت و این همان تقدسی است که زن در
عصر جاهلی داشت، چگونه می توان نگاهی ابتذال آمیز به زن دوره ی جاهلی داشت حال آنکه شاعران با
تمام احترام از آنها در مطالع قصاید خود یاد می کردند و بدون ذکر نام آنها شعر خود را آغاز نمی

^۱. خفاجی، محمد عبد المنعم، ص ۱۸۳.

نمودند. معلقه ی تمام شاعران مشهور با ذکر نام و یاد زن آغاز می شود که نشان از درک بالای جایگاه زن در آن دوره است.

زن در امور سیاسی و اقتصادی نیز تقریباً با مرد برابر بوده است که شاید بتوان از بلقیس ملکه ی سبا به عنوان نمونه ی بارز این دسته از زنان یاد کرد. اگر چه زن مثل عصر حاضر از برخی حقوق مثل "ارث و..." محروم بوده است، ولی این از منزلت زن جاهلی نمی کاهد؛ چرا که اگر بخواهیم در مقام مقایسه بین زن حاضر و آن زمان بر بیاییم، شاید بتوان گفت در برخی موارد زن قرن بیستم از جایگاهی بس پایین تر در مقایسه با برخی از موارد آن زمان است؛ حال آنکه گذشت زمان و پیشرفت جامعه ی بشری نیز نباید در این مقایسه فراموش شود. بسیاری از فرهنگ های جامعه ی جاهلی که در هنگام مطالعه ی آن زمان سخیف به نظر می آید تنها به دلیل این بعد زمانی و عدم درک کامل آن جامعه است و نگاهی جامع نسبت به مقدسات آن زمان نیست تا بتوان موضوعی را مثبت، و موضوعی را منفی، به شمار آورد. گر چه زن قرن بیستم به ویژه در غرب نسبت به زن عصر جاهلی از آزادی ها و حقوق بیشتری برخوردار است اما گوهر واقعی خویش را از دست داده و به موجودی کم ارزش تبدیل شده است و به وسیله ای برای کسب سود بیشتر تبدیل شده حال آنکه در عصر جاهلی زنان از شخصیت ویژه ای برخوردار بودند و در همه عرصه های زندگی بدون اینکه آسیبی به شخصیت واقعی آنان وارد شود مشارکت داشتند.

مظاهر مشارکت فعال زنان در زندگی اجتماعی در عصر جاهلی را می توان در جنبه های مختلف به وضوح مشاهده کرد. یکی از این جنبه ها وصایایی است که مادران برای دخترانشان به جای می گذاشتند تا مبادا از کرامت زن جاهلی کاسته شود؛ چرا که دختر در خانه ی پدرش و در دامن زن جاهلی به نحوی خاص تربیت می شد، و هنگامی که موسم سفر به خانه ی شوهر فرا می رسید، نقش مادر نمود پیدا می کرد و در وصایایی چگونه رفتار کردن با شوهر را به او یادآوری و آموزش می داد. این نوع از وصایا را می توان به طور متقابل در میان مردان نیز دید و اینکه آنها چطور فرزندان خود را در انتخاب همسر مناسب راهنمایی می کردند و در نظر آنها همسر با اصل و نسب، بر زیبارو ترجیح دارد و همسر عاقل بر همسر احمق برتری دارد مانند اکثم بن صیفی که می گوید: "یا بنی لا یُعَلِّبَنَّکُمْ جَمَالُ النِّسَاءِ عَنْ صِرَاحَةِ النَّسَبِ، فَإِنَّ الْمَنَاكِحَ الْکَرِیمَةَ مُدْرِجَةٌ لِلشَّرَفِ"^۱

او نیز ازدواج را با احمق نهی می کند: "وَ إِيَّاکُمْ وَ نِکَاحَ الْحُمَقَاءِ، فَإِنَّ نِکَاحَهَا عُزْرٌ، وَلَدُهَا ضِیَاعٌ."^۲

^۱. البلاذري، أحمد بن یحیی، ۱۹۹۶م، ج ۳، ص ۳۴۱.

^۲. همان، ج ۳، ص ۳۴۴.

از این نمونه وصایا در کتب و مراجع بسیار یافت می شود که همگی دلالت بر دقت و عمق تفکر جاهلیین نسبت به انتخاب همسر دارد و آیا چنین فرهنگی را در عصر تمدن بشر یعنی عصر حاضر سراغ دارید؟ در فصل دوم این پژوهش به نمونه ای از وصایای مادران به دختران اشاره خواهد شد.

بدین ترتیب زن نقش بارزی در زندگی مرد داشته است و وجود او در آن روزگار عاملی سوق دهنده بوده است که مرد را به جلو هدایت می کرده است. بیانگر این ادعا شعر مردان در عصر جاهلی می باشد که به خوبی این نکته را در شعر خود به تصویر کشیده اند. این شخصیت زن کلاسیکی جاهلی به خوبی میتواند الگویی برای زن متمدن قرن ۲۱ باشد.

یکی دیگر از جنبه های وجودی زن در عصر جاهلی، نقشی بود که زن به عنوان مادر، همسر، خواهر، دختر و ... ایفا می کرد که بارزترین این انواع، نقش مادری بوده است. نقش مادری یکی از سنگین ترین و برترین صفت های جنس مؤنث بوده است، مبرد در کتاب "الکامل" ابیاتی را از سلیک بن سلکة نقل کرده است که از کنیز بودن مادران ابراز ناراحتی و بیزاری می کند و خواهان اکرام آنهاست که البته این ابیات خود نشانگر وضعیت اسفبار زنان در عصر جاهلی نیز می باشد.

أَشَابَ الرَّأْسَ أَتَى كُلَّ يَوْمٍ أَرَى لِي خَالَةً بَيْنَ الرَّجَالِ
يَشُقُّ عَلَيَّ أَنْ يَلْقَيْنَ ضَيْمًا وَ يَعِجُزُ عَنْ تَحْلُصِهِنَّ مَالِي^۱

ترجمه: سرم را پیر کرد که من بینم یک خاله ای از خاله هایم در میان مردان افتاده.
و برایم ناگوار است که آنها ضجر بکشند و پول من از نجات دادن آنها ناتوان است.
از دیگر موضوعاتی که می توان کرامت و اهمیت زن را در آن دنبال کرد، اهمیتی است که زن برای همسر و خانواده در آن دوره قائل بوده است، و این احترام زمانی بروز می کرد و یا بهتر است بگوییم زمانی ثبت می شد که شوهر یا پسر یا برادر از دنیا می رفتند و زن جاهلی با رثاء مثال زدن خود آنها را تکریم می کرد و کرامت خود را نیز به صورت غیر مستقیم نشان می داد و حتی زنان جاهلی به این فن شعری شهره شده بودند، و فقدان عزیزان چنان تأثیری در آنان داشت که بی اختیار می گریستند و با استفاده از عاطفه ی صادق خود که همراه با ذوق شعری بود در رثای آنها شروع به انشاد شعر می نمودند. از بارزترین نمونه ی این زنان می توان به خنساء اشاره نمود که به شاعره ی رثاء شهرت دارد و در فصل چهارم از همین بحث، مفصلاً به شعر و رثای او خواهیم پرداخت.

^۱. المبرد، محمد بن یزید، ۱۹۹۷م، ص ۳۳۶.

بروکلمان و صادق الرافعی بر این نکته اتفاق نظر دارند که اظهار غم و اندوه در از دست دادن عزیزان صفتی است مخصوص زنان جاهلی و در حقیقت عمود شعر زنان آن دوره، رثاء است^۱ و رثاء آنها در فقدان همسران و عزیزان برخاسته از تجربه ی انسانی و به تصویر کشاندن احساس پاک مادرانه و زنانه است؛ حال آنکه در هیچ عصری بعد از آن چنین پدیده ای را با این گستره سراغ نداریم.^۲

از دیگر جنبه های مورد بررسی در زندگی زنان دوره ی جاهلی که بسیار مورد ظلم و تجاوز قرار گرفت و به شدت سیاه نمایی شد، محبت به زنان در جامعه ی جاهلی است که نه تنها هیچ گاه بدان پرداخته نشد یا کمتر درباره ی آن سخن رانده شد، بلکه به کلی از صحنه ی بررسی خارج شد و حتی تبدیل به تبلیغ و سیاه نمایی علیه زنان و دختران جاهلی شد و با زنده به گور کردن دختران توسط عده ای خاص، به عنوان فرهنگی غالب به نسل های آتی تحویل داده شد. اما واقعیت این است که بسیاری از عربها دختران خود را مورد محبت و لطف قرار می دادند و نوازش می کردند، و این مسئله به کرات در اشعار زنان جاهلی بازتاب یافته است. ابوالفرج اصفهانی می نویسد معن بن اوس که یکی از شاعران آن عصر است دارای فرزند دختر بود. او سه دختر داشت که به آنان علاقمند بود و مصاحبت با آنها را خوش داشت و دختران را از پسران بهتر می دانست. او در شعر ذیل اینگونه سروده است:

رَأَيْتُ رَجُلًا يَكْرَهُ بَنَاتَهُ وَ فِيهِنَّ لَا تُكْذِبُ نِسَاءُ صَوَاحِبِ
وَفِيهِنَّ وَالْأَيَّامُ يَعْرِنَ بِالْفَتَى عَوَيْدُ لَا يُمْلِلُنَّهُ وَ نَوَائِحُ^۳

ترجمه: مردی را دیدم که از دختران خود متنفر است و به راستی در میان آنها زنان خوب و صالحی وجود دارد.

و در میان آنها – در حالیکه روزها و روزگاران، برای انسان مشکلات ایجاد می کنند – زنانی هستند که حال او را می پرسند و از او خسته نمی شوند و برای او نوحه نمی کنند.
و شاعری مثل لبید از اینکه پس از مرگ وی، دخترانش محزون و اندوهگین شوند، صورت خود را بخراشند و گیسوی خویش را ببرند بیمناک است. از این روی به آنان نصیحت می کند که دوره ی اندوه خود را کوتاه سازند و کمتر گریه کنند.^۴

^۱. الرافعی، مصطفی صادق، ۱۹۹۷م، ج ۳، ص ۶۱.

^۲. بروکلمان، ۱۹۸۳، ج ۱، ص ۴۸.

^۳. الإصفهانی، أبو الفرج، ۱۹۵۲م، ج ۱، ص ۳۴۷.

^۴. همان، ج ۱۴، ص ۲۲۸.

و بسیاری از پدرها به علت عزیز دانستن دختران، کینه ی خود را از نام دخترانشان داشتند. مثل زهیر ابن ابی سلمی^۱.

۱-۲. زن در نگاه شاعر جاهلی:

شاید بهترین منبعی که بتوان در آن جایگاه رفیع زن در عصر جاهلی را مورد بررسی قرار داد شعر آن دوره است که به زبان مردان سروده شده است. شاعر جاهلی، زن را در صورت های متفاوت الهام گرفته از طبیعت تصور می کرده است، مانند تشبیه کردن زن به خورشید، آهو، عروسک و... و مانند آن که نماد آلهه نزد آنها بودند.^۲

این تقدس، مفهومی کلی و فرا گیر نزد شعراء بوده است، و اینگونه نبود که شاعری دارای مفهومی خاص از زن باشد و در این زمینه با شاعران دیگر متفاوت باشد بلکه این تقدس مفهومی واحد بود که در شعر تمام شاعران به اشکال گوناگون تکرار می شد. گاهی زن در جامعه ی جاهلی نماد زمین حاصلخیز بوده است و به همین دلیل آنها زمین را مقدس می شمردند و زمین در نزد آنها همچون مادر محترم بود چرا که آنها زمین و زن را دارای صفت زاد و ولد می دانستند و این صفتی مقدس نزد آنها بوده است.^۳ اگر وصف محاسن جسمی و احیاناً اعضای جنسی در شعر شعرای جاهلی زیاد به چشم می خورد و برخی آن را بزرگ و در این باره غلو نمودند، یک احساس جنسی و برخاسته از هوی و هوس نبوده است بلکه مرتبط با احساس نماد تقدس بوده است که به آن اعتقاد داشته اند. علی البطل در کتاب خود به نقل از براندان گفته است که سنگواره هایی که از تمثال زنان در عصور قدیمی عرب جاهلی به دست آمده است، نشان دهنده ی همین واقعیت است که آنها اعضای زنانگی را بارزتر کرده اند و در مقایسه با دیگر اعضا بیشتر بدان پرداخته اند.^۴

در این باره اشعار زیادی وجود دارد نمونه ی بارز آن شعر امرئ القیس است که سروده است:

وَإِذْ هِيَ تَمْشِي كَمَشْيِ النَّزْبِ	فِ يَصْرَعُهُ فِي الْكَثِيبِ الْيَهْرِ
بَرْهَرُهُ، رُودَةٌ رُخَصَةٌ	كَخُرْعُوبَةِ الْبَائَةِ الْمُنْفَطِرِ
فُتُورُ الْقَامِ، قَطِيعُ الْكَلَامِ	تَفْتَرَعْنَ ذِي عُرُوبٍ خُصْرِ

۱. همان، ج ۹، ص ۳۲۹.

۲. نصرت، عبد الرحمن، ۱۹۸۲ م، ص ۱۰۶.

۳. البطل، علی، ۱۹۸۳ م، ص ۵۷.

۴. همان، ص ۵۶.

۵. امروء القیس، ۲۰۰۴ م، ص ۳۲.

ترجمه: آنگاه که او را می رود مانند راه رفتن نرگس، او را به زمین می اندازد. در بیت دوم و سوم امروالقیس زن را متحرک، چاق، و ... تصور می کند که از صفات زن بارور می باشند و دیدگاهی که باید در هنگام بررسی این گونه اشعار بارز باشد، همان دیدگاه تقدس و نماد دینی است. و یا مثل این شعر مرقش اکبر:

و فِي الْحَيِّ أَبْكَارٍ سَبَيْنَ فُؤَادِهِ عَلَّالَةَ مَا زَوَّدَنَ وَ الْحُبُّ شَاغِبِي
دَقَاقُ الْخُصُورِ، لَمْ تُعَفِّرْ قُرُوءُهَا لِشَجْوٍ، وَ لَمْ يَحْضَرَنَّ حِمَى الْمَزَالِفِ
نَوَاعِمٌ، أَبْكَارٌ، سَرَائِرٌ، بُدُنٌ حَسَانُ الْوُجُوهِ، كَيْنَاتُ السَّوَالِفِ
يُهَدِّلُنَ فِي الْأَذَانِ مِنْ كُلِّ مَذْهَبٍ لَهُ رِبْدٌ يَغِيَا بِهِ كُلُّ وَاصِفٍ^۱

ترجمه: در محله دختران با کره ای هستند که دل او را اسیر کردند و عشق برای ممن جذاب است که آنها کمر باریکند و گیسوانشان خاکی نشده اند برای غمی و در حمای مزالف حاضر نشدند. آنها نازکند و بکرند و تو پرند، زیبا رویند، نرمند. آویزان می کنند در گوش ها از هر مذهب و طریقتی، آنچه را که می گویند ربدی دارد که هر واصفی از او ناتوان می ماند.

اینگونه است که شاعر جاهلی صفات زن را همان صفات الهه ی دینی قدیم می داند و نگاهی که منجر به دیدگاهی شود که زن را نزد جاهلیین مبتذل بداند گناهی بزرگ است. عرب جاهلی به نقش مادر و مادر گونه زن در بین قبائل خود بسیار اهمیت می داد. آنها برخی از قبائل خود را به نام زن نامگذاری کرده بودند، مثل مدرکه، طابجة، خندف، ظاعنة، قيلة، جديلة، مزة، عطية، و مانند آن.^۲

^۱. الضبي، المفضل، ۱۹۵۲م، ص ۲۳۱.

^۲. علي، جواد، ۱۹۹۳م، ص ۵۲۰.